

بررسی قبور و آرامگاه‌های دوره اسلامی سیستان (مطالعه موردی حوزه زَهک)

مرجان شهرکی فرخنده^۱

چکیده: تدفین و توجه به دنیای پس از مرگ، در بین همه اقوام از اهمیت خاصی برخوردار بوده است؛ به همین دلیل ما شکل‌گیری اشکال مختلفی از تدفین در یک سرزمین واحد، در طول دوران‌های مختلف و بر اساس دین و اعتقادات آنها را شاهدیم. سیستان از این قاعده مستثنی نبوده و در ادوار مختلف، اشکال متنوعی از تدفین را تجربه کرده است. سنت آرامگاه‌سازی اسلامی از قرن ششم هجری قمری به بعد در سیستان پدیدار شد و پیش از این تاریخ، آثاری از آرامگاه به دست نیامده است. در این نوشتار سعی شده است از طریق پژوهش‌های میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای، تنوع اشکال تدفین و ویژگی‌های آرامگاه‌های حوزه زَهک سیستان مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. نتایج حاصل از این مطالعات، بیان‌کننده این مهم است که تغییرات صورت‌پذیرفته در شیوه‌های تدفین مربوط به حوزه مورد مطالعه، ناشی از تأثیر عوامل جغرافیایی و سنت‌های دیرین مردمان منطقه بر اساس باورهای دینی آنان و همچنین بازتابی از شرایط اقتصادی دوره‌های مختلف و تفاوت‌های مذهبی ساکنان سیستان بوده است.

واژه‌های کلیدی: دوران اسلامی، سیستان، زَهک، تدفین، آرامگاه

A study on the graves and tombs at Islamic era in Sistan (Case Study: Zahak)

Marjan shahraki farkhondeh¹

Abstract: Interment as well as paying attention to the afterlife subject has been enjoyed special significance among people from all ethnic groups. So we witness an evolution in this practice regarding religious rituals in different periods even in one land. Sistan, with no exception, experiencing such evolution, began the tradition of tomb building not earlier than the sixth century AH. Based on survey and library sources, this research seeks to investigate on the evolution of interment ritual and characteristics of tombs in Zahak area in Sistan. The findings show that the evolution had not only been affected by geographical elements but also ancient traditions and religious beliefs. Moreover, economic conditions and religious diversity among inhabitants is considerable.

Key words: Islamic era, Sistan, Zahak, interment, tomb

1 Senior Expert of Archeology, Sistan and Baluchestan University Mar_far_13@yahoo.com

مقدمه

یکی از مهم‌ترین داده‌های منسجم باستان‌شناسی از گذشته تا به امروز که بیشترین اطلاعات را درباره جنبه‌های معنوی فرهنگ‌ها در اختیار باستان‌شناس قرار می‌دهد، قبور و سنت‌های تدفینی است؛ همچنانکه امروزه نیز بدین گونه مورد توجه قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، قبور و شیوه‌های تدفینی، اطلاعات بسیار زیادی درباره قوم‌نگاری، انسان‌شناسی، روابط اجتماعی و اقتصادی و طبقات اجتماعی، در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. مطالعه و بررسی طبقات اجتماعی، یک رهیافت ریشه‌دار در باستان‌شناسی است.^۱ «بینفورد» پژوهش‌های نسبتاً زیادی درباره سنت‌های تدفینی و ابعاد مختلف آن انجام داده است.^۲

معماری اسلامی مفهومی است که با کاربرد بناها ارتباط تنگاتنگ دارد و هر بنا به فراخور عملکرد دارای ویژگی‌ها، شکل و عناصر مختص به خود است. از این رو در هر یک از زمینه‌های معماری اسلامی، متخصصان متعددی در کار پژوهش و شناخت آثار به سعی و کوشش می‌پردازند. معماری این دوره، در نگاه اول از یک سنت و از یک مشی مذهبی پیروی می‌کند، اما حائز ویژگی‌هایی است که بر کاربرد آن بناها تکیه دارد. آرامگاه‌ها در دهه نخستین اسلام با توجه به ممنوعیت آرامگاه‌سازی (و حتی گذاردن علامت و نشانه بر مزار متوفی) به هیچ عنوان وجود نداشت.

بی‌گمان در ایران دوره اسلامی، آرامگاه (به استثنای مساجد)، نسبت به هر نوع بنای معماری دیگری مورد توجه بیشتری بوده و در نسج جامعه و فرهنگ ایرانی ریشه دوانده است و کمتر شهری در این کشور وجود دارد که سهمی از چنین بناهایی را در اختیار نداشته باشد.^۳ این بناها با اسامی گوناگونی شناخته شده است. بیشتر این بناها به استناد شکل ظاهری‌شان و به اعتبار رایج‌ترین عملکردشان، «تربت» و یا در اشاره به مفهوم دین و مذهب‌شان، «امام‌زاده» نام گرفته‌اند. تنوع این اسامی، سرچشمه دقیق جلوه‌های بسیاری را که این بناها در ذهن مسلمانان متصور می‌سازد، بیان می‌کند.^۴

اندیشه اولیه اسلامی، هر گونه تجلیل معمارانه در بنای مقابر را محکوم می‌کرد و در واقع،

1 Child, V.G (1957), *The Down of the European Civilization*, London, p35.

2 Binford, L.R. and Binford, R. (1968), *New Perspectives in Archaeology*, Chicago.

۳ محمدیوسف کیانی (۱۳۸۷)، *معماری ایران در دوره اسلامی*، تهران: انتشارات سمت، ص ۵۸.

۴ محمدیوسف کیانی (۱۳۷۷)، *معماری اسلامی*، ترجمه ایرج اعتصام، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، ص ۳۴۲.

حتی بیشتر مراسم تدفینی و یادبودی را مذموم می‌شمرد. تکریم قبور یا برپایی مراسم در پیرامون آن، ناشی از عادات ناشایست مسیحی و یهودی تلقی می‌شد.^۱ درباره ریشه ساخت بنای آرامگاهی، نفوذ ایران باید کنار گذاشته شود؛ زیرا در دین زردشت دوره ساسانی، به خاک سپردن یک جسد به مفهوم نادیده گرفتن قوانین این دین بود.^۲ بنا بر روایت اهل سنت، ایجاد هرگونه بنایی بر فراز قبر، از سوی پیامبر منع شده است و بلندی قبر از سطح زمین‌های اطراف نیز نباید بیشتر از چهار انگشت باشد.^۳

در گذشته، آرامگاه‌سازی و احترام به بزرگان و معصومین، زودتر از آنچه که تصور می‌شد به عنوان یکی از عادات سیاسی - مذهبی تشیع مطرح شد و با توجه به اینکه به طور عمده پیروان تشیع به این بینش مفتخرند، می‌توان چنین نتیجه گرفت که دست کم بینش شیعه، در دوام، تقویت و توسعه بقاع متبرکه و فرهنگ آرامگاه‌سازی از نقش اصلی و اساسی برخوردار بوده است. با وجود این، قدیمی‌ترین یا نخستین مقبره به‌جای مانده از سده‌های اولیه اسلامی «قبة الصلیب» در شهر سامره قرار دارد که قدمت آن به اواسط سده سوم هجری قمری بازمی‌گردد.^۴

از سده اول تا سده سوم هجری قمری، هیچ نوع بنای آرامگاهی که بتوان تاریخ معینی را به آن نسبت داد، در ایران باقی نمانده است، ولی شاید بتوان تدفین هارون الرشید در خراسان را جزء نمونه‌های آغازین سنت آرامگاه‌سازی قلمداد کرد که خود زیربنای کوچکی برای آغاز تکوین بزرگ‌ترین بنای آرامگاهی اختصاصی شیعیان جهان در مشهد بود؛ بدین گونه که پس از شهادت امام رضا^(ع)، ایشان در همان مکانی که هارون الرشید مدفون شده بود، به خاک سپرده شد و بدین ترتیب، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین زیارتگاه مذهبی شیعیان در ایران شکل گرفت.^۵

از سده چهارم هجری قمری به بعد، ظهور و گسترش بناهای آرامگاهی در نقاط مختلف به -

۱ الگ گرابار (۱۳۷۵)، «اولین بناهای یادبود اسلامی»، فصلنامه اثر، ترجمه کلود کرباسی، ش ۲۶-۲۷، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ص ۱۷.

2 Azarpay, G. (1981) *The Islamic Tomb Tower: A Note on Its Genesis and Singnificance*, Essays in Islamic Art and Architecture in Honor of Katharina Otto-Dorn, ed. A. De Neshvari. 11.

۳ پرویز ورجاوند (۱۳۷۱)، «بقعه»، دائرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر سیدجوادی، ج ۳، تهران: مؤسسه دائرة المعارف تشیع، ص ۳۰۱ و نیز

Adle, C. and Melikian-Chivani, A.S. (1972) *Les monuments du XIe siècle du Dumqan*, studia Iranica I, p.229.

۴ رابرت هیلن براند (۱۳۷۷)، همان، ص ۳۱۵.

۵ مهدی غروی (۱۳۷۶)، آرامگاه در گستره فرهنگ ایرانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۹۹.

دلیل مهاجرت امامزادگان و سادات و همچنین شکل‌گیری سلسله‌ها و نهضت‌های شیعی مذهب را شاهدیم که همین روند از سوی ایران به سرزمین‌های غرب اسلامی به خصوص مصر عصر فاطمی توسعه یافت.^۱

در مجموع، می‌توان مقابر را به دو گروه اصلی مقابر مذهبی و مقابر غیرمذهبی تقسیم کرد؛ هرچند هر دو در زمره بناهای تدفینی قرار می‌گیرند.^۲

تاکنون هیچ‌گونه تحقیق منسجم و متمرکزی درباره قبور و آرامگاه‌های دوره اسلامی سیستان انجام نشده است؛ بنابراین نپرداختن به این بناهای آیینی، می‌تواند سؤالات زیادی را درباره سبک معماری اسلامی در سیستان و میزان اهمیت به درگذشتگان و همچنین نیل به درک درستی از وضعیت اجتماعی، اقتصادی و مذهبی ساکنان سیستان در دوره اسلامی را پاسخگو باشد. البته در قرن نوزدهم میلادی، تعدادی از سیاحان و مأموران سرحدی انگلیس در سیستان، به برخی از قبور و آرامگاه‌های سیستان اشاره کرده‌اند.^۳ در بررسی‌های باستان‌شناسی که توسط رضا مهرآفرین در حوزه زهک سیستان صورت گرفت، به قبور و آرامگاه‌های این حوزه نیز اشاره شده است.^۴

تحقیق حاضر با توجه به هدفی که در پی آن بوده، از نوع تحقیقات بنیادی و بر اساس ماهیت و روش، از نوع تحقیقات تاریخی است که در آن، موضوع مورد بحث با استفاده از منابع مکتوب و داده‌های باستانی (مواد فرهنگی) تا حصول نتایج علمی دنبال شد.

نیل به اهداف این تحقیق، مستلزم برخورداری از دو گونه اطلاعات بود. اطلاعات نخست یا داده‌های اسنادی، به شناخت دقیق حوزه زهک مربوط می‌شد و اطلاعات دوم یا داده‌های میدانی، به شناخت فیزیکی مقابر و آرامگاه‌های این حوزه منجر شد. برای دست یافتن به اطلاعات نخست یا داده‌های اسنادی، همه منابع مربوط به سیستان، به خصوص حوزه زهک مورد مطالعه قرار گرفت. برای جمع‌آوری داده‌های میدانی که به شناخت فیزیکی مقابر مربوط می‌شود، یک بررسی

۱ ریچار اتینگهاوزن و الگ گرابار (۱۳۷۸)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات سمت، ص ۳۰۱.

۲ رابرت هیلن براند (۱۳۷۷)، همان، ص ۳۴۲.

۳ جی. پی تیت (۱۳۶۲)، سیستان، ترجمه غلامعلی رئیس‌الذاکرین، مشهد: اداره کل ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان، ص ۱۷۸.

۴ رضا مهرآفرین (۱۳۸۳)، «بررسی و تحلیل باستان‌شناسی حوزه زهک سیستان»، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ص ۱۳۲.

روشمند باستان‌شناختی در سطح منطقه صورت گرفته است.

حوزه زهک سیستان

منابع و متون تاریخی، درباره زمان لشکرکشی مسلمانان عرب به سیستان، اتفاق نظر ندارند. بر اساس بیشتر منابع تاریخی از جمله فتوح البلدان بلاذری،^۱ البلدان یعقوبی،^۲ أخبار الطوال دینوری^۳ و تاریخ سیستان،^۴ ولایات سیستان در سال ۳۰ ق. و به دست ربیع بن زیاد فتح شد. فقط مورخانی چون طبری و ابن اثیر خبر از فتح سیستان قبل از این تاریخ می‌دهند که بر اساس گزارش آنها، نخستین لشکرکشی اعراب به سیستان در سال ۲۳ ق. بوده است.^۵

سیستان منطقه بزرگی است که بخش وسیعی از آن در ایران و افغانستان و بخش ناچیز آن در پاکستان امروزی قرار دارد. سیستان ایران تقریباً ۱۵،۱۹۷ کیلومتر مربع وسعت دارد و در بخش شمال شرقی استان سیستان و بلوچستان قرار دارد.^۶ سیستان به دو بخش بیابانی در جنوب و مسکونی در شمال تقسیم می‌شود که زهک یکی از حوزه‌های بخش مسکونی سیستان است.

حوزه زهک در محدوده جغرافیایی بین ۶۱ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۴۵ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۰ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۳۱ درجه عرض جغرافیایی واقع شده است.^۷ زهک، مرکز بخش شهرکی و نارویی است که در ۲۲ کیلومتری جنوب خاوری زابل و در مسیر راه زابل-کُهک (مرز مشترک ایران و افغانستان) قرار گرفته است. طی بررسی‌های میدانی، در این حوزه پانزده قبرستان و ۲۹ آرامگاه شناسایی شده است. البته تعداد آرامگاه‌ها بیش از این بوده و در حال حاضر آثاری از آنها باقی نمانده است.

قبور از لحاظ ساختار داخلی، به دو دسته و از لحاظ پوشش بیرونی، به سه دسته و آرامگاه‌ها

۱ احمد بن یحیی بلاذری (۱۳۶۷)، فتوح البلدان، ترجمه، تعلیقات و مقدمه محمد توکل، تهران: نشر نقره، ص ۵۴۷.

۲ ابن واضح یعقوبی (۱۳۴۳)، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۵۷.

۳ ابوحنیفه دینوری (۱۳۷۱)، أخبار الطوال، ترجمه محمد مهدی دامغانی، تهران: نشر نی، چ ۴، ص ۱۷۶.

۴ ناشناس (۱۳۱۴)، تاریخ سیستان، به تصحیح ملک‌الشعرا بهار، تهران: انتشارات کلاله خاور، ص ۸۰.

۵ محمد بن جریر طبری (۱۳۶۶)، تاریخنامه طبری، تصحیح محمد روشن، تهران: نشر نو، ص ۵۴۸.

۶ حسن بیک محمدی، هدایت‌الله نوری و جواد بذرافشان (بهار و تابستان ۱۳۸۴)، «اثرات خشکسالی‌های ۱۳۷۷-۱۳۸۳ بر اقتصاد روستایی سیستان و راهکارهای مقابله با آن»، جغرافیای توسعه، دانشگاه سیستان و بلوچستان، س ۳، ش ۵، ص ۵۴.

۷ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۰)، برگ IV ۱۳۵۱ سری K۷۵۳، تهران: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.

به دو دسته کلی روباز و گنبددار تقسیم شده‌اند. در این راستا تفاوت‌های مذهبی بین شیعه و سنی، تفاوت‌های جغرافیایی، تأثیراتی که سنت‌های پیش از اسلام بر معماری و سنت‌های مربوط به کفن و دفن این منطقه داشته و همچنین تأثیرات اقتصادی مد نظر قرار گرفته است.^۱

قبرستان ده‌لوف

قبرستان ده‌لوف در حوزه زهک و بر روی تپه‌های شنی که در واقع، ابتدای دشت سیستان محسوب می‌شود، قرار گرفته است و هم‌اکنون نیز روستاهای دوردست برای تدفین مردگان خود از آن استفاده می‌کنند. چاه‌نیمه چهارم در کنار این قبرستان ساخته شده؛ به همین دلیل بخشی از آن تخریب شده است. سطح این قبرستان وسیع را سنگ‌ریزه و ماسه‌های بادی پوشانده و فاقد هر نوع پوشش گیاهی است.

آثار فرهنگی قبرستان ده لوف، محدود به آرامگاه‌ها و قبور است و هیچ‌گونه مواد فرهنگی منقول در سطح آن به چشم نمی‌خورد. در این محوطه، تعداد بیشماری قبور دیده می‌شود که درون خاک از خشت با طاق گهواره‌ای ساخته شده است. بر روی هر قبر، مقداری سنگ‌ریزه و خاک ریخته شده و بخشی از این قبور به دلیل ایجاد چاه‌نیمه چهارم، تخریب شده و استخوان‌های فراوانی در سطح محوطه پراکنده است.

در این قبرستان، پنج آرامگاه وجود دارد که سه آرامگاه در ضلع شمالی و دو آرامگاه در ضلع جنوب غربی این محوطه قرار دارد. آرامگاه‌های ضلع شمالی نسبت به آرامگاه‌های دیگر قدیمی‌ترند. غربی‌ترین آرامگاه ضلع شمالی قدیمی‌تر است، اما از نظر شکل به دو آرامگاه مرکزی شباهت زیادی دارد. این آرامگاه که به شکل یک چهارطاق است، دچار فرسایش شدیدی شده است. ورودی بنا رو به شرق قرار دارد. در این ضلع، ایوان کوتاهی وجود دارد که ارتفاع آن بر اثر انباشته شدن تل‌های ماسه‌ای مشخص نیست. ضخامت قوس طاق درگاه، حدود نود سانتی‌متر و شکل آن جناغی است. در دو طرف ورودی‌ها، طاقچه‌هایی وجود دارد. ضخامت طاق ضلع غربی، حدود ۱۱۰ سانتی‌متر است. ضلع شمالی این آرامگاه، احتمالاً مانند ضلع شرقی، دارای یک نیمه ایوان بوده، اما بر اثر فرسایش مداوم باد به طور کامل تخریب شده است. مصالح آرامگاه از خشت

۱ مرجان شهرکی فرخنده (۱۳۹۳)، «بررسی قبور و آرامگاه‌های بخش شمالی سیستان در دوره اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ص ۲۶.

و گل است و در بین هر یک از جرزها، مقدار زیادی سنگ ریزه به کار برده‌اند. سقف این بنا به طور کامل تخریب شده و هیچ اثری از چگونگی پوشش آن در دست نیست، اما با توجه به جرزهای قطور بنا، به نظر می‌رسد مانند دیگر بناهای مجاور خود، در زوایا دارای گوشواره و فیلیپوش بوده و بر روی آن گنبدی قرار داشته است. اندود رویه داخلی دیوارها، از ملاط گل است. قبر داخل آرامگاه به علت وجود آوار سقف، مخفی شده، اما ایجاد چاله‌ای عمیق به دست حفران غیرمجاز، آثاری از یک قبر خشتی با طاق گهواره‌ای را مشخص کرده است.

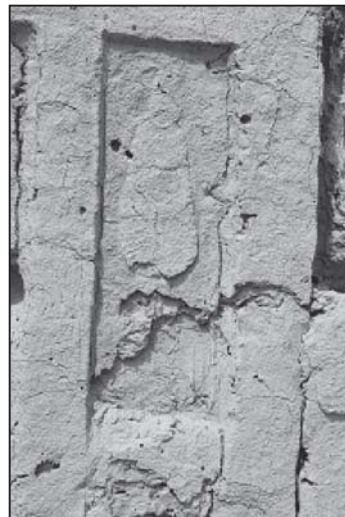
آرامگاه میانی بناپی مستطیل‌شکل گنبددار با چهار ورودی در چهار طرف است که ورودی اصلی آن در شرق قرار دارد و به شکل ایوان ساخته شده است. ایوان دارای اندودی از گل و تزئیناتی در قسمت بالای دیوار و شامل تورفتگی‌هایی است که در کنار هم یک لوزی را تشکیل داده‌اند. چهار جرز در گوشه‌های داخلی بنا وجود دارد که موجب شده است پلان داخلی بنا به شکل چلیپایی باشد و بر روی هر یک از اضلاع جرزها، طاقچه‌هایی قرار دارد. مصالح بنا از خشت، گل و آجر است.

شرقی‌ترین آرامگاه به صورت یک فضای روباز است که فقط با دیوار محصور شده است. این مکان، چهار درگاه دارد که هر یک از آنها در یک جهت جغرافیایی باز می‌شود. هر یک از درگاه‌ها، در وسط یک ضلع آرامگاه قرار گرفته است. سه درگاه شرقی غربی و شمالی در دوره‌های بعد با تیغه‌ای از خشت مسدود شده است. هر ضلع از دیوارهای داخلی و خارجی بنا، دارای دو طاق نما است که در دو سوی درگاه قرار گرفته است. این طاق‌نماها، در درون قاب‌هایی که قسمت فوقانی آنها به شکل دالبر تزئین شده است، قرار دارند. سقف درگاه‌ها به صورت جناغی است. در قسمت فوقانی هر یک از درگاه‌ها، دو ستون خشتی و گلی دیده می‌شود که در گذشته در قسمت فوقانی آنها چیزی شبیه سرستون وجود داشته که در حال حاضر فرو ریخته است. بر روی هر یک از دیوارهای آرامگاه، هشت کنگره نیمه‌بیضی احداث شده و اندود روی بنا از کاه گل است. در نمای خارجی آرامگاه و در حد فاصل ورودی دیوارها و زیر ستون‌ها، یک ردیف آجر به صورت رخ‌بام کار گذاشته شده که هم حالت تزئینی به بنا داده است و هم جلوی ریزش باران را می‌گیرد. هر دو سوی درگاه جنوبی، دارای قاب‌های مستطیلی است که با گل و به صورت نقش درخت سرو، برجسته کاری شده است. مصالح به کار رفته در این بنا، از خشت و آجر و ملاط کاه گل است. آجرها بسیار خوب پخته شده و از استحکام بالایی برخوردار است (شکل ۱).



شکل ۱: آرامگاه روباز قبرستان ده لوف

رضا مهرآفرین گاهنگاری این محوطه را با توجه به تزئینات به کار رفته در نمای خارجی آرامگاه شرقی قبرستان ده لوف، به‌ویژه طاق‌نماهای تزئینی و نقش درخت سرو (شکل ۲) که نظیر آن در بناهای دوره زندیه از جمله ارگ کریم‌خانی و مسجد وکیل شیراز دیده می‌شود، متعلق به اواخر دوره اسلامی دانسته است.^۱



شکل ۲: تزئینات درخت سرو

۱ رضا مهرآفرین (۱۳۸۳)، همان، ص ۵۱۵.

آرامگاه‌های ضلع جنوب غربی که در فاصله حدود ده متری از یکدیگر قرار گرفته، هر دو مستطیل‌شکل و دارای گنبد است. شرقی‌ترین آرامگاه این ضلع بر روی، مصطبه‌ای به ارتفاع حدود یک متر قرار گرفته و ورودی آن از جنوب با سه طاق گهواره‌ای تو در تو است. در جلوی ورودی، پله‌هایی از خشت وجود داشته که تخریب شده است. بنا بدون تزئینات است. در داخل بنا یک قبر و در داخل مصطبه بنا هشت قبر (پنج قبر در دیواره‌های اطراف و سه قبر در دو طرف پلکان) ساخته شده است که با توجه به تعداد قبور در این آرامگاه، احتمالاً آرامگاه خانوادگی باشد.

آرامگاه کناری که بین ساکنان منطقه به آرامگاه سید معروف است، فقط یک ورودی از ضلع جنوبی دارد و فاقد تزئینات است و فقط یک قبر در این آرامگاه دیده می‌شود.^۱

قبرستان دشتک

قبرستان دشتک در غرب روستای ندام غربی واقع است. این قبرستان بزرگ، محل تدفین درگذشتگان تمام روستاهای منطقه جزینک است. قبرستان دشتک بر روی یک تراس رسوبی واقع شده و فاقد هر نوع مواد فرهنگی منقول (سفال، سنگ، شیشه و غیره) است.^۲

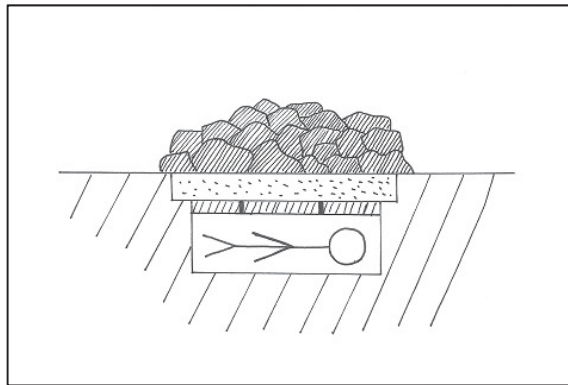
این قبرستان بزرگ هنوز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. یک جاده خاکی پر پیچ و خم، این محوطه را به دو بخش شرقی و غربی و یک کانال آن را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم کرده است. اشکال قبور این قبرستان شامل قبور صندوقی با پوشش سیمانی، آجری، سنگ مرمر و یا گرانیت است. قبور قدیمی هم شامل قبور خستی و بدون مشخصات است که بسیار آسیب دیده است. در این قبرستان، قبور صندوقی وجود دارد که سنگ‌های افراشته‌ای بر بالای آن نصب شده و بر روی این سنگ‌ها مشخصات فرد متوفی و یا آیاتی از قرآن مجید حک شده است. در بخش جنوبی این قبرستان، قبور اهل سنت قرار دارد که به شکل پشته‌های کم ارتفاع بیضی‌شکل است که با سنگ‌ریزه پوشیده شده است. برخی از این قبور دارای مشخصات (نام و نام و خانوادگی متوفی و سال تولد و فوت او) می‌باشد (شکل ۳ و ۴).

۱ شهرکی فرخنده، همان، ص ۱۲۴.

۲ مهرآفرین (۱۳۸۳)، همان، ص ۴۹۱.



شکل ۳: قبور اهل سنت



شکل ۴: ساختار قبور اهل سنت

در همین بخش، دو آرامگاه در کنار هم وجود دارد که اولین آرامگاه، یک بنای چهارگوش و روباز است که فقط حدود یک متر از دیوارهای آن باقی مانده و آثار یک ورودی در ضلع جنوبی، قابل مشاهده است. در میان این آرامگاه، فقط آثار یک قبر بیضی شکل که با سنگ ریزه پوشیده شده، قابل مشاهده است؛ البته این قبر لوح مشخصات هم دارد. دومین آرامگاه که در غرب آرامگاه اولی و در فاصله یک متری از آن قرار دارد، یک بنای چهارگوش با سقفی گهواره‌ای و

مصالح خشت با اندود گل است. بالای گنبد یک نورگیر وجود دارد که دیواره‌های آن فرو ریخته است. این بنا دیوارهای کم ارتفاع در حدود ۱/۱۰ متر و دو ورودی کم ارتفاع و کوچک در ضلع شرقی و غربی دارد. در دو طرف ضلع شرقی و بالای در ورودی، آثار منارک‌هایی دیده می‌شود که از بین رفته است. آثار یک قبر در این آرامگاه وجود دارد که بسیار آسیب دیده است.

آرامگاه میرمهدی (آدیره میرمهدی) (شکل ۵)

آرامگاه سیدمهدی در شرق شهرستان زهک در یک منطقه بیابانی، خشک و تقریباً لم‌یزرع در فاصله پانزده کیلومتری مرکز بخش جزینک، دهستان جزینک و صد متری روستای ندام غربی در فاصله پنجاه متری آرامگاه سردار شهید میرحسینی قرار گرفته است. دسترسی به این آرامگاه، از طریق جاده زابل به زهک و جاده فرعی روستای ندام غربی به آسانی امکانپذیر است.^۱

در باره مشخصات فرد مدفون شده، هیچ سند معتبری در دست نیست. بر اساس روایات مردم منطقه، این مقبره محل دفن شخصی به نام سیدمهدی است که مورد احترام گذشتگان و نسل کنونی است. این مقبره چهار گوش به «آدیره میرمهدی» شهرت دارد.^۲ «آدیره» در فرهنگ لغت به معنای مقبره یا محجره و «میر» در دوره صفویه برای سید به کار می‌رفته است؛ به همین دلیل بسیاری از افراد محلی اظهار کردند که این مقبره، در دوران صفویه بنا شده است و فردی که در این مقبره مدفون شده، میرمهدی بوده است.^۳

در باره گاهنگاری این آرامگاه می‌توان گفت شواهد معماری و به‌ویژه ابعاد خشت‌های به کار رفته در این بنا (۵×۲۸×۲۸ سانتی‌متر) نشان می‌دهد که بنای مذکور نمی‌تواند قدیمی‌تر از دوره تیموری باشد؛ زیرا ابعاد این خشت‌ها، شاخص دوره تیموری است.^۴ از سوی دیگر، با تکیه بر تاریخ‌گذاری انجام‌شده می‌توان استنباط کرد که محوطه قبرستان دشتک (آدیره میرمهدی) متعلق به

۱ گزارش ثبتی مقبره میرمهدی (۱۳۸۷)، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان، ص ۵.

۲ رضا مهرآفرین (۱۳۸۳)، همان، ص ۴۹۱.

۳ پژوهش گروهی بنیاد ایران‌شناسی (شعبه سیستان و بلوچستان) (۱۳۹۰)، شماری از مقبره‌های استان سیستان و بلوچستان، سرپرست طرح در شعبه: امین‌رضا کمالیان، تدوین نهایی: حسن حبیبی، تهران: انتشارات بنیاد ایران‌شناسی، ص ۱۸۰.

۴ سید محمود موسوی (۱۳۷۴)، «یادمان‌های خشتی کوه خواجه و خلاصه‌ای از نتایج مطالعات و کاوش‌های انجام‌شده در آن»، مجموعه مقالات کنفرانس تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۴، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ص ۸۵.



شکل ۵: آرامگاه میرمهدی

دوره صفویه است؛ زیرا عنوان میر (به معنای سید و نیز نام خاص مهدی) که این مقبره به آن منتسب است، از دوره صفویه رایج می‌شود.^۱

در قبرستان دشتک، بنایی مرتفع و گنبددار چشم هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند. این بنا طی سال‌های اخیر مرمت شده است؛ زیرا در گذشته بسیار آسیب دیده و فقط بخش‌هایی از گنبد و دیوارها بر جای مانده بود.

آرامگاه میرمهدی، بر روی بلندترین قسمت قبرستان و بر روی یک تپه کم‌ارتفاع احداث شده است. ورودی آرامگاه در ضلع جنوبی آن واقع شده و از دو قسمت تشکیل شده و خود بنا دارای مساحتی در حدود صد متر مربع است.

پلان این بنا مشابه چهار طاقی با دالان طواف دوران ساسانی است؛ با این تفاوت که به جای دالان طواف، راهرویی در قسمت جنوبی دیده می‌شود که در اصلی بنا هم در همین ضلع قرار دارد. مصالح بنا از آجر و خشت ساخته شده و دیوارهای داخلی و خارجی با گل اندود شده است. در بالای دیوار دو ردیف آجر بدون پوشش دیده می‌شود که زیبایی خاصی به بنا داده است؛ همچنین دور تا دور بنا به عرض بیش از یک متر با آجرهایی به ابعاد حدود ۲۰×۲۰ فرش شده است. این

۱ رضا مهرآفرین (۱۳۸۳)، همان، ص ۴۹۳.

آرامگاه تقریباً مستطیل شکل ساخته شده است. قطر دیوارها ۱/۵ متر است تا بتواند فشار حاصل از گنبد را تحمل کند. شش در به کار رفته در بنا پس از مرمت، از فلز با تاج قوسی شکل ساخته شده است. پس از وارد شدن از ورودی اصلی در ضلع جنوبی، یک راهرو قرار دارد که از آنجا به اتاق گنبددار وارد می‌شویم. با وجود تعدد درها، از تمامی آنها می‌توان به داخل آرامگاه وارد شد. فضای ورودی ضلع جنوبی دارای سقف مسطح است. در چهار ضلع اصلی، درست در بالای درهای ورودی، چهار پنجره فلزی با طاق هلالی وجود دارد که برای تأمین نور ساخته شده است. پوشش کف بنا از آجر است و شش قبر آجری بدون مشخصات در این آرامگاه وجود دارد.^۱

قبرستان بزرگ خَمک

در فاصله صد متری جنوب شرق چاه باستانی روستای خَمک، تپه کوچکی قرار دارد که نزد اهالی محل، به قبرستان کهنه معروف است. قبرستان کهنه خَمک تا پنجاه سال پیش محل تدفین درگذشتگان این روستا بود، اما هم‌اکنون به عنوان زمین بازی کودکان از آن استفاده می‌شود. احتمالاً پس از متروکه شدن قبرستان کهنه، مردم روستای خَمک اقدام به ساخت قبرستان جدیدی در خارج از روستا کرده‌اند. این قبرستان بر بلندای تپه‌ای قرار دارد که تمامی سطح و دامنه‌های آن پوشیده از قبور کهنه، نو و آرامگاه‌های مختلف است (شکل ۶). آنچه در این قبرستان جلب توجه می‌کند، بزرگی و وسعت آن است و شاید بتوان گفت یکی از بزرگ‌ترین قبرستان‌های حوزه زهک است. در جبهه جنوبی قبرستان زمین‌های کشاورزی و در جبهه شمالی آن جاده‌ای خاکی قرار دارد. از این جاده، جاده‌ای فرعی به داخل قبرستان راه می‌یابد. بر بلندترین قسمت تپه، آرامگاهی به شکل چهار طاقی خود نمایی می‌کند. این آرامگاه بر روی مصطبه‌ای آجری به ارتفاع حدود هشتاد سانتی‌متر قرار گرفته و برای ورود آسان به داخل بنا، دو پله در جلوی هر ورودی ساخته شده است. چهار طاقی و گنبد بر روی چهار جرز استوار است که وجود این جرزها موجب شده است پلان آرامگاه از بیرون، شکل چهارضلعی و از داخل صورت چلیپایی به خود بگیرد. جرزها آجری است و گنبد، با گچ سفید اندود شده است. در کف بنا که سرامیک مشکی فرش شده، فقط یک قبر صندوقی با پوشش سنگ گرانیت وجود دارد. در چهار گوشه بنا چهار منارک پله‌ای وجود دارد که شامل مکعب‌هایی است که بر روی هم قرار گرفته است. تنها

۱ شهرکی فرخنده (۱۳۹۳)، همان، ص ۷۱.



شکل ۶: قبرستان بزرگ خمک

ترتینات این آرامگاه در دو طرف ورودی‌ها قرار دارد و شامل ده کتیبه مربع شکل است که در دو ردیف پنج تایی کنار هم قرار گرفته‌اند و در مرکز هر مربع، یک دایره کوچک و در اطراف آن و گوشه‌های مربع، اشکالی شبیه به برگ دیده می‌شود. این آرامگاه بر اساس مشخصات نوشته‌شده بر روی لوح قبر، متعلق به احمدخان امیرشهریار خمکی فرزند امیرمهدی‌خان، سردار و بزرگ خاندان شهرکی است که در سال ۱۳۲۴ ش. وفات یافته است. به علت عدم تطابق مصالح و پلان بنا با تاریخ فوت، این احتمال وجود دارد که این آرامگاه در سال‌های اخیر ساخته شده باشد و بنای اولیه به گونه‌ای دیگر بوده است.

آرامگاه دوم، در فاصله کمتر از ده متری جنوب آرامگاه اولی قرار دارد. بنایی آجری و چهارگوش، بدون سقف که فقط اندود گلی ضلع جنوبی آن سالم است و احتمالاً به تازگی مرمت شده و بیشترین آسیب را در اثر وزش بادهای محلی ضلع شمالی دیده است. شیب تپه موجب شده است ارتفاع دیوار غربی کمتر از دیوار شرقی باشد. در چهار گوشه بنا چهار منار مکعب‌مستطیل به ارتفاع حدود هشتاد سانتی‌متر و در میان هر دیوار ترتیناتی مانند رخ‌بام به تعداد پنج عدد وجود دارد که به شدت آسیب دیده است. بنا دارای دو ورودی از شمال و جنوب، به شکل طاق هلالی

است و جلوی ورودی جنوبی یک پله ساخته شده و ورودی شمالی آن با تپه هم سطح است. ورودی جنوبی احتمالاً ورودی اصلی آرامگاه است؛ زیرا دیوار جنوبی، تنها دیواری است که سطح آن با کاه گل مرمت شده و شامل دو قاب متداخل است. کف آرامگاه سیمانی است و فقط یک لوح در وسط بنا قرار دارد. بر روی این لوح، نام شیرعلی خان فرزند امیرمهدی خان شهریار خمکی که در بیست سالگی وفات یافته، حک شده و فاقد تاریخ فوت است. بر اساس نام پدر می توان گفت که افراد دفن شده در آرامگاه اول و دوم، با هم برادر بوده اند که آرامگاه های آنها در مجاورت هم ساخته شده است.

آرامگاه سوم که در شرق آرامگاه قبلی قرار دارد از نوع آرامگاه های روباز و دارای دو ورودی شمالی و جنوبی است و فقط بخشی از دیوارهای آن به ارتفاع حدود بیش از یک متر می رسد. آثار قبر در این آرامگاه مشاهده نمی شود.

آرامگاه چهارم، در جنوب شرقی آرامگاه دوم قرار دارد و بنایی چهار گوش با چهار ورودی است که بوسیله پله به آن وارد می شوند. سقف بنا خرپشته ای و مصالح آن شامل آجر، آهن و سیمان است که در نهایت با لایه ای از گل پوشیده شده است. دیوارها به ضخامت یک آجر است و داخل بنا دو قبر از سنگ سیاه وجود دارد که مربوط به پدر و پسر است که به ترتیب در سال ۱۳۲۸ و ۱۳۸۳ ش. وفات یافته اند. این احتمال وجود دارد که بنای فعلی بر روی یک بنای قدیمی تر ساخته شده است.

در شرقی ترین قسمت قبرستان، دو آرامگاه دیگر وجود دارد که از لحاظ پلان، تزئینات و مواد و مصالح شباهت زیادی به آرامگاه دومی (آرامگاه شیرعلی خان) این قبرستان دارد. آرامگاه ها دارای چهار ورودی از چهار طرف بنا و روباز است. منارهایی در گوشه های بنا وجود دارد که قسمت انتهایی آنها به شکل هرم ساخته شده است. بر روی لبه دیوارها تزئیناتی مانند رخ بام دیده می شود. در این آرامگاه ها نیز دیوارهای شمالی به دلیل وزش باد، بیشترین آسیب را دیده اند. در یکی از آرامگاه ها یک قبر صندوقی از سیمان که فقط دارای نام متوفاست و در دیگری قبری از خشت وجود دارد که به شکل طاق گهواره ای و بدون مشخصات است. آرامگاهی که قبر خشتی دارد، قسمت بالای ورودی جنوب غربی آن فرو ریخته است.

قبرستان بزرگ خمک که یکی از بزرگ ترین قبرستان های سیستان است، دارای قبوری از دوره های مختلف و اشکال متنوع است. قبور قدیمی، از خشت و با پوشش طاق گهواره ای است که

به شکل پشته‌های کم‌ارتفاعی دیده می‌شود و دهانه بسیاری از آنها فرو ریخته است. نمونه دیگر، قبور صندوقی است که در پوشش با یکدیگر تفاوت دارند. این پوشش‌ها شامل خشت و گل، آجر، سیمان، سنگ مرمر و گرانیت است که قبور صندوقی با پوشش خشت و گل، قدمت بیشتری نسبت به سایر قبور دارند و فاقد مشخصات‌اند. نمونه‌ای از قبور صندوقی سیمانی در این قبرستان وجود دارد که سطح بالایی آن، به شکل چندطبقه ساخته شده است. قبرهای سه طبقه متعلق به مردان و قبرهای دو طبقه متعلق به زنان است.

بخش خاصی از قبرستان به قبور اهل سنت اختصاص داده نشده است و تعداد اندکی از قبور اهل تسنن در میان سایر قبور این قبرستان وجود دارد. این قبرها به شکل پشته‌های کم‌ارتفاعی است که با سنگ‌ریزه پوشیده شده و دور تا دور آن با خشت یا آجر به شکل بیضی درآمده و همچنین دو شاخه در بالا و پایین قبر کاشته شده است.

آرامگاه‌های روستای قلعه نو

روستای قلعه نو در شرق شهرستان زهک، بخش جزینک و در دهستان جزینک واقع شده است. قبرستان این روستا بر روی تپه‌ای به ارتفاع پنج متر ساخته شده و هفت آرامگاه دارد که در این قسمت، فقط به توصیف یکی از آرامگاه‌ها پرداخته می‌شود و ویژگی‌های سایر آرامگاه‌ها در جدول آورده شده است.

آرامگاه سید پادشاه

آرامگاه سید پادشاه در شهرستان زهک، پانزده کیلومتری مرکز بخش جزینک، دهستان جزینک و پانصد متری شرق روستای قلعه‌نو و در صد متری شمال غرب روستای قلعه‌کهنه قرار گرفته است. این اثر در قبرستان قدیمی روستای قلعه‌نو و بر فراز تپه‌ای بلند به ارتفاع هشت متر واقع شده است؛ این تپه در دشتی مسطح قرار دارد. آرامگاه مربوط به سیدحسین بن هاشم با نام خانوادگی خوشدل هاشمی است. وی از افراد محترم و بانفوذ منطقه و از سادات ساکن در روستای قلعه‌نو بوده است. سیدحسین (سید پادشاه) یک بار ازدواج کرد، اما بعد از مدتی به تنهایی ادامه حیات داد و از خود اولادی باقی

۱ گزارش ثبتی مقبره سید پادشاه (۱۳۸۷)، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان، ص ۷.

نگذاشت. وی مدتی در محل دفن فعلی خود معتکف شده بود تا اینکه اقوام دوباره او را یافتند و به خانه بازگرداندند. وی بسیار سخاوتمند بود و برای او کراماتی قائل شده‌اند. با توجه به موجود نبودن اسناد معتبر و از بین رفتن قبر مذکور، متأسفانه تاریخ دقیق فوت وی مشخص نیست، ولی احداث بنا بر قبر او را اواخر دوران قاجاریه ذکر می‌کنند. همچنین گفته می‌شود وی قبل از فوت، اقدام به ساخت آرامگاه کرده است. این بنا از سمت جنوب و شرق به اراضی مزروعی و در سمت غرب مشرف به روستای قلعه‌نو و از سمت شمال نیز به قبرستان و بقایای قدیمی روستای قلعه‌نو ختم می‌شود.^۱

در ساخت این بنا همانند دیگر اماکن قدیمی در روستا، از خشت و گل استفاده شده است که سطوح داخلی و خارجی دیوارهای آن اندودی از گل دارد. همچنین گنبد این بنا به سبک خانه‌های سنتی سیستان (گنبد سیستانی) ساخته شده است. در داخل آرامگاه نیز سه طاقچه با سه تورفتگی متفاوت وجود دارد. در ورودی این بنا نیز در ضلع غربی ساخته شده است که در حال حاضر فاقد در و پنجره است. طبق گفته‌های ساکنان روستا، آرامگاه یک در چوبی داشته که با گذشت زمان از بین رفته است. با توجه به نحوه قرار گرفتن این مقبره بر فراز تپه، از سمت شرق و غرب با شیب تندی به اراضی کشاورزی می‌رسد و تنها در سمت شمالی به ادامه تپه، بناهای قدیمی و قبرستان ختم می‌شود. از ویژگی‌های این بنا می‌توان به وجود تزئیناتی روی سطح داخلی دیوارها اشاره کرد که با گل رس ساخته شده و به آن فرم داده شده است. با توجه به اینکه سید در نزد مردم روستا از قداست و احترام برخوردار است، بیشتر مردم روستا، بستگان و نیز کسانی که به کرامات وی معتقدند، در این مکان حضور می‌یابند و آن را زیارت می‌کنند. نذورات این مقبره، متشکل از نان محلی و ذبح احشام است که در میان اهالی روستا و افراد نیازمند تقسیم می‌شود.

قبرستان تپه آتشگاه

در شمال شرق روستای قلعه کنگ و در سمت چپ رودخانه سیستان، تپه‌ای مرتفع به شکل یک زبانه در جهت شمالی-جنوبی کشیده شده و به وسیله یک شکاف عمیق به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شده است. وسعت تپه جنوبی از تپه شمالی بیشتر است. سطح این تپه ناهموار را

۱ پژوهش گروهی بنیاد ایران‌شناسی (شعبه سیستان و بلوچستان) (۱۳۹۰)، شماری از مقبره‌های استان سیستان و بلوچستان، سرپرست طرح در شعبه: امین‌رضا کمالیان، تدوین نهایی: حسن حبیبی، تهران: انتشارات بنیاد ایران‌شناسی، صص ۸۸-۸۹.

دانه‌های ریز و درشت شن پوشانده است. در دو سوی شرق و غرب و همچنین زبانه جنوبی این تپه، دو قبرستان قرار دارد. قبرستان غربی جدیدتر است و همچنان مورد استفاده روستاهای اطراف قرار می‌گیرد. تمام قبور این دو قبرستان، در دل خاک ایجاد شده است و هیچ آرامگاهی در سطح آنها به چشم نمی‌خورد. تنها آرامگاه این تپه، در مرتفع‌ترین قسمت زبانه جنوبی آن قرار گرفته و مربوط به دوران معاصر و از آن علم خان نارویی است.^۱

قبرهای جدید این قبرستان از نوع قبور صندوقی با پوشش‌های مختلف سنگ مرمر، سنگ گرانیت و سیمان است. سطح برخی قبور سیمانی به شکل طبقه‌ای ساخته شده که نشانه جنسیت فرد دفن شده است. تمامی قبور تپه آتشگاه (همان‌طور که گفته شد) در شیب تپه و در دل خاک ایجاد شده‌اند که این مسئله موجب شده است قبور به شکل پله‌ای قرار گیرد.

قبور قدیمی که در جبهه شرقی قرار گرفته، به شکل پشته‌های کم‌ارتفاعی است که روی آنها با سنگ‌ریزه پوشیده شده و دسته‌ی دیگر قبوری به شکل صندوقی و از خشت است که در نهایت با لایه‌ای از گل اندود شده است. البته قبور جدیدی در میان این قبور قدیمی به صورت پراکنده ساخته شده است (شکل ۷).



شکل ۷: قبرستان تپه آتشگاه

۱ جی. پی تیت (۱۳۶۲)، سیستان، ترجمه غلامعلی رئیس‌الذاکرین، مشهد: اداره کل ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان، ص ۲۸.

قبرستان تپه شهرستان

در سمت راست رودخانه سیستان و در کنار پیچ بزرگ این رودخانه به سمت زهک، تپه نسبتاً بزرگ و طولی شکلی دیده می‌شود که جهت آن شمالی-جنوبی است. این تپه، دارای خاک رسی و زردرنگ و به تپه شهرستان معروف است. بر اساس روایات محلی، بر روی این تپه شهری قرار داشته که آن را «رام» ساخته است.

یک شکاف عمیق با جهت شرقی-غربی، تپه شهرستان را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم کرده است. وسعت و ارتفاع تپه شمالی کمتر از تپه جنوبی است. سطح هر دو تپه، دارای پستی و بلندی‌های زیادی است و از فاصله دور به راحتی می‌توان این برجستگی‌ها و فرورفتگی‌ها را مشاهده کرد. در سطح و دامنه تپه شهرستان، هیچ نوع پوشش گیاهی دیده نمی‌شود. سنگ‌ریزه، ماسه، حجم انبوهی از قطعات سفالی و آوار سنگین بناهای فرو ریخته، آثار سطحی این تپه عظیم باستانی را تشکیل می‌دهد.^۱

تپه شمالی از نظر ظاهر عمومی متفاوت از تپه جنوبی است. این تپه کوچک و کم‌ارتفاع، مانند یک زبان از جنوب به شمال کشیده شده است. این تپه از هر سو دارای شیب ملایمی است و میزان پراکندگی سفال آن نیز بسیار کمتر است. متأسفانه هم‌اکنون این تپه به عنوان قبرستان مورد استفاده روستاهای اطراف قرار می‌گیرد و بیشتر سطح آن را قبور قدیمی و جدید دربر گرفته است. از ویژگی‌های جالب توجه این تپه، کوره‌های تخریب‌شده متعددی است که در گوشه و کنار آن به چشم می‌خورد.^۲

این قبرستان وسیع با ماسه بادی پوشیده شده و دارای قبوری به شکل پشته‌های کم‌ارتفاع است که روی آنها را با سنگ‌ریزه پوشش داده‌اند. این قبور، به اهل سنت منطقه تعلق دارد. باد موجب فرسایش شدید قبور قدیمی‌تر شده و سنگ‌ریزه‌ها و تکه‌های سفال روی قبور را با خود جابه‌جا کرده و جای آنها را ماسه بادی گرفته است. سنگ‌هایی که به عنوان نشان در بالا و پایین قبر می‌گذارند نیز به طور کامل خرد شده و تبدیل به سنگ‌ریزه شده است. این قبور قدیمی فاقد نام و نشان است. قبور جدیدتر اهل تسنن در این قبرستان، به همان شکل معمول همیشگی است؛ با این تفاوت که بر بالای برخی قبور، لوح‌هایی قرار داده‌اند و مشخصات فرد متوفی بر آن حک شده است. تعداد اندکی از قبور اهل تشیع در این بخش از قبرستان و در کنار قبور اهل سنت دیده می‌شود.

۱ رضا مهرآفرین (۱۳۹۳)، شهرهای ساسانی، تهران: انتشارات سمت، ص ۱۸۴.

۲ رضا مهرآفرین (۱۳۹۱)، برچکاد/وشیبا، تهران: نشر دریافت، ص ۱۹۰.

شیب شرقی و جنوب شرقی تپه، به قبور تشیع اختصاص دارد. در این بخش، شش آرامگاه وجود دارد که تنها سه آرامگاه سالم است. آرامگاه اول شامل تک اتاقی مستطیل شکل با سقف گنبدی از آجر، با یک ورودی سمت جنوب و سه دریچه در اضلاع دیگر است. آرامگاه فاقد تزئینات و اندود گلی روی دیوارها و بخشی از گنبد آن از بین رفته است. در این آرامگاه فقط آثار یک قبر وجود دارد که بسیار آسیب دیده است و قلوه‌سنگ‌های بزرگی بر روی آن قرار داده‌اند. کف اتاق با ماسه بادی پر شده است.

آرامگاه‌های دوم، سوم و چهارم چسبیده به هم ساخته شده‌اند و از یکی از آنها فقط بخشی از دیوارهای آن باقی مانده و دو آرامگاه دیگر، در ماسه بادی فرو رفته است و گنبد، بخشی از دیوارها و قسمت بالای ورودی آنها دیده می‌شود. به دلیل پر بودن آرامگاه‌ها امکان رؤیت قبور وجود ندارد. مصالح به کار رفته در ساخت این سه آرامگاه، آجر با اندود گل است.

آرامگاه‌های پنجم و ششم نیز در کنار هم ساخته شده و بخش اندکی از دیوار و پی آنها باقی مانده است. دیوارها از بیرون دارای قاب‌های مستطیل شکلی است که در داخل آنها روزنه‌هایی به شکل چلیپا ساخته شده و در گلی که برای پوشش بنا مورد استفاده قرار گرفته، خرده‌سفال‌های قرمز رنگ فراوانی دیده می‌شود. در داخل این دو آرامگاه، آثار دو قبر در کنار هم دیده می‌شود که احتمالاً از نوع قبور صندوقی خشتی با اندود گل است، ولی بسیار آسیب دیده است.

تمامی قبور این بخش از قبرستان، از نوع قبور صندوقی با پوشش‌های مختلف سنگ، سیمان و غیره است که سطح برخی از آنها به شکل چندطبقه ساخته شده است. به احتمال زیاد بسیاری از قبور این قبرستان در زیر ماسه‌ها مدفون شده است.

جدول قبرستان‌های حوزه زهک

نام محوطه	طاق گهواره‌ای	قبر صندوقی خشتی	قبر صندوقی سنگی و ...	بدون مشخصات	با مشخصات	قبر با سطح مطبق
قبرستان دشتک	•	•	•	•	•	•
قبرستان دم خواجه احمد	•	•	•	•	•	—
قبرستان تپه گوری	•	—	—	•	—	—
قبرستان کهنه خمک	•	—	—	•	—	—

نام محوطه	طاق گهواره‌ای	قبر صندوقی حشتی	قبر صندوقی سنگی و ...	بدون مشخصات	با مشخصات	قبر با سطح مطبق
قبرستان بزرگ خمک	•	•	•	•	•	•
قبرستان اطراف زیارت امیرالمؤمنین خمک	•	•	•	•	•	
قبرستان تپه دز	•	•	—	•	—	—
قبرستان میلک	•	—	•	•	•	•
قبرستان اطراف آرامگاه ابراهیم نمکی	•	•	•	•	•	—
قبرستان اطراف زیارت مرتضی علی	•	•	—	•	—	—
تپه طفلان	•	—	—	•	—	—
قبرستان تپه آتشگاه	•	•	•	•	•	•
قبرستان تپه شهرستان	•	•	•	•	•	•
قبرستان اطراف زیارت شاه ولی	•	•	•	•	•	—
قبرستان ده لوف	•	•	•	•	•	—

جدول آرامگاه‌های حوزه زهک

نام آرامگاه	پلان بیرونی	پلان داخلی	تزئین داخلی	تزئین بیرونی	پوشش سقف	قبر
آرامگاه ادیره میر مهدی	مستطیل	چلیپایی	—	—	گنبد	•
دشتک، آرامگاه شهید میرحسینی	هشت ضلعی	هشت ضلعی	•	•	گنبد	•
دشتک، بی نام	مستطیل	مستطیل	—	—	رو باز	•
دشتک، بی نام	مستطیل	مستطیل	—	—	طاق گهواره‌ای	•

نام آرامگاه	پلان بیرونی	پلان داخلی	تزئین داخلی	تزئین بیرونی	پوشش سقف	قبر
آرامگاه قبرستان دم خواجه احمد	مستطیل	مستطیل	•	—	گنبد	•
قبرستان بزرگ خمک، آرامگاه ۱	مستطیل	چلیپایی	—	•	گنبد	•
قبرستان بزرگ خمک، آرامگاه ۲	مستطیل	مستطیل	—	•	روباز	•
قبرستان بزرگ خمک، آرامگاه ۳	مستطیل	مستطیل	—	—	روباز	•
قبرستان بزرگ خمک، آرامگاه ۴	مستطیل	مستطیل	—	—	خرپشته‌ای	•
قبرستان بزرگ خمک، آرامگاه ۵	مستطیل	مستطیل	—	—	مسطح	•
قبرستان بزرگ خمک، آرامگاه ۶	مستطیل	مستطیل	—	•	روباز	•
قبرستان بزرگ خمک، آرامگاه ۷	مستطیل	مستطیل	—	•	روباز	•
قبرستان میلک، ۷ آرامگاه	مستطیل	مستطیل	—	—	روباز	•
قلعه نو، آرامگاه اباذر راشکی	مستطیل	چلیپایی	—	•	گنبد	•
قلعه نو، آرامگاه بارکزایی	مستطیل	چلیپایی	—	•	گنبد	•
قلعه نو، آرامگاه دختر	مستطیل	چلیپایی	•	•	گنبد	•
قلعه نو، آرامگاه فیروز کوهی	مستطیل	چلیپایی	•	—	گنبد	•
قلعه نو، آرامگاه سید پادشاه	مستطیل	چلیپایی	•	—	گنبد	•
قلعه نو، آرامگاه نارویی	مستطیل	چلیپایی	—	—	گنبد	•
قلعه نو، آرامگاه کل کنگ	مستطیل	چلیپایی	—	—	گنبد	•

نام آرامگاه	پلان بیرونی	پلان داخلی	تزئین داخلی	تزئین بیرونی	پوشش سقف	قبر
آرامگاه ابراهیم نمکی	مستطیل	مستطیل	—	—	رو باز	•
تپه شهرستان، آرامگاه ۱	مستطیل	مستطیل	—	—	گنبد	•
تپه شهرستان، آرامگاه ۲ و ۳ و ۴	مستطیل	مستطیل	—	—	گنبد	—
تپه شهرستان، آرامگاه ۵ و ۶	مستطیل	مستطیل	—	•	رو باز	•
قبرستان ده لوف، آرامگاه غربی	مستطیل	چلیپایی	•	•	گنبد	•
قبرستان ده لوف، آرامگاه میانی	مستطیل	چلیپایی	—	•	گنبد	•
قبرستان ده لوف، آرامگاه شرقی	مستطیل	مستطیل	—	•	رو باز	•
قبرستان ده لوف، آرامگاه‌های جنوب غربی	مستطیل	مستطیل	—	—	گنبد	•

تحلیل و نتیجه‌گیری

سنت‌های تدفین، نشان‌دهنده جنبه‌های مذهبی است، اما به‌طور منطقی این سنت‌ها تابع نوعی رفتار زندگان با مردگان است.^۱

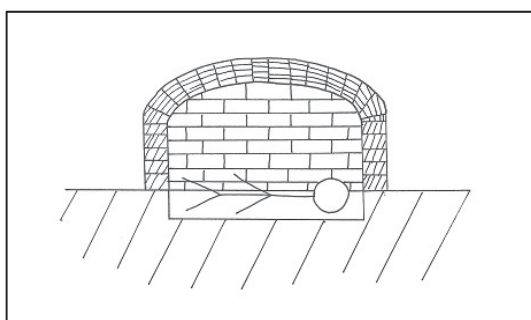
در ساختار قبور سیستان دوره اسلامی عواملی مانند تفاوت‌های مذهبی، وضعیت زمین، پرآبی و خشکسالی بسیار مؤثر بوده است؛ به طوری که قبور با طاق گهواره‌ای که در اصطلاح محلی به آن تیرگ (Tirg) می‌گویند، برای جلوگیری از بالا آمدن جسد در اثر بالا آمدن زه و رطوبت، بنا می‌شده و در عین حال در سال‌های خشک، تدفین‌ها طبق سنت معمول سایر مناطق انجام می‌شده است. البته میزان رطوبت و بارندگی، در شکل تیرگ تغییراتی ایجاد کرده است. زمانی که میزان

1 Chapman, R. Kinness, I, and Rands borgk (1981), *The Archaeology of death*, Cambridge, p7.

آب و رطوبت در منطقه زیاد باشد، اتاقکی از خشت یا آجر با پوشش طاق گهواره‌ای بر روی سطح ساخته می‌شود و جسد را در داخل آن قرار می‌دهند و سپس دهانه قبر بسته می‌شود (شکل ۸).

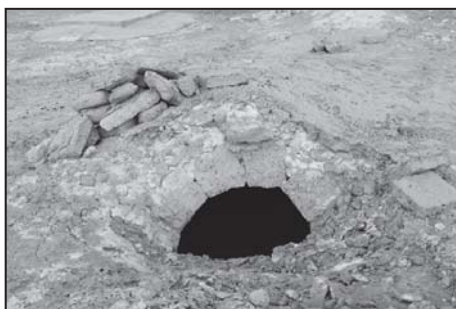


شکل ۸: تیرگ در زمان رطوبت زیاد منطقه

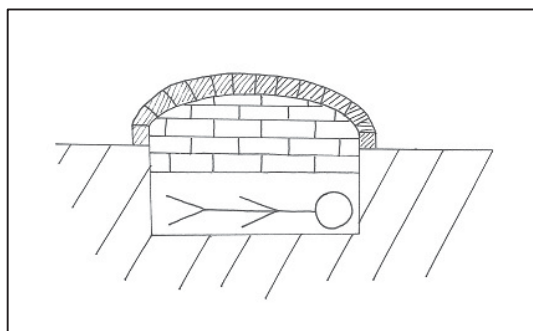


شکل ۹: ساختار تیرگ در زمان رطوبت زیاد

زمانی که رطوبت در حد متوسط است، زمین را گود می‌کنند و دیواره‌هایی از خشت و آجر ساخته می‌شود و جسد در داخل آن قرار داده شده و در نهایت، طاق گهواره‌ای بر روی آن ساخته می‌شود (شکل ۱۰ و ۱۱).



شکل ۱۰: تیرگ در زمان رطوبت متوسط منطقه



شکل ۱۱: ساختار تیرگ در زمان رطوبت متوسط منطقه

البته می‌توان گفت به دلیل کمبود چوب در فلات ایران، برای پوشش سقف، از خشت و آجر استفاده می‌شد که این عمل به صورت طاق یا گنبد صورت می‌گرفته است.^۱ این تفاوت در ساختار قبور را به خوبی می‌توان در قبرستان‌هایی مانند خَمک و تپه آتشگاه مشاهده کرد.

۱ وحید قبادیان (۱۳۹۲)، بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۸، ص ۱۳۵.

به نظر می‌رسد این سنت تدفین، ادامه سنت‌های پیش از اسلام است. تیرگ از لحاظ ساختار، شباهت زیادی به قبور سردابه‌ای شهر سوخته دارد.^۱ قدیمی‌ترین تدفین‌های سیستان از قبرستان شهر سوخته به دست آمده است. قبور تیرگ به قبور پشته سنگی منظم کوه خواجه هم شباهت دارد. این دسته از گورها بر سطح صخره‌ای کوه به شکل بیضی و چهار گوش ایجاد شده است.^۲ نمونه دیگر گورهای سنگ‌چین این استان، در چابهار واقع شده و مربوط به دوره تاریخی است که به گورستان دمب کوه معروف است.^۳ همچنین مشابه این قبور در جنوب شرق ایران فراوان است که می‌توان به گورستان عباس‌آباد، تپه گبر در روستای پارسان، لاله‌زار و محمودآباد در بردسیر اشاره کرد.^۴ قابل ذکر است که تیرگ، به قبور هفت‌تپه که مربوط به نیمه دوم هزاره دوم است، شباهت فراوانی دارد. این قبور سردابه‌هایی با طاق قوسی است^۵ (شکل ۱۲). تیت بر این باور است که این سبک تدفین که مردگان را بالاتر از سطح زمین دفن می‌کرده‌اند، سنتی بوده است که زمانی در سیستان وجود داشته و اخیراً فراموش شده است. محتمل است که این سنت، باقیمانده از دین زرتشت باشد.^۶

از میان پانزده قبرستان این حوزه، بیشترین نوع قبور از لحاظ ساختار، مربوط به نوع تیرگ و از لحاظ پوشش بیرونی فاقد مشخصات است که نشان از اعتقاد ساکنان منطقه به سادگی در تدفین و عدم رواج سواد در گذشته دارد. وجود قبور نوع تیرگ نشان‌دهنده شرایط آب و هوایی مناسب منطقه در دوره‌های قبل است که پرباران و مرطوب بود و به صورت تدفین‌های پیش از اسلام منطقه ساخته می‌شد، اما قبور جدید به دلیل خشکسالی در سال‌های اخیر همانند قبور سایر مناطق ساخته شده است (شکل ۱۳). پوشش خارجی قبور، تحت تأثیر چند عامل با هم متفاوت است؛ زن و مرد بودن، ترتیب زمانی (که به داشتن سواد و رواج آن بسیار وابسته است به طوری که هر چه

۱ سیدمنصور سیدسجادی (۱۳۸۸)، گزارش‌های شهرسوخته (کاوش گورستان ۱۳۸۰-۱۳۸۲)، زاهدان: سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی استان سیستان و بلوچستان با همکاری مرکز امور فرهنگی و اجتماعی اداره برنامه‌ریزی نشر، صص ۸۵-۹۲.

۲ رضا مهرآفرین، داوود صارمی نائینی و مرجان شهرکی فرخنده (۱۳۹۱)، «آرامگاه‌ها و قبور کوه خواجه»، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه خراسان بزرگ، س ۳، ش ۹، ص ۵۷.

۳ روح‌الله شیرازی (۱۳۸۱)، بررسی باستان‌شناسی چابهار و جاسک، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی، صص ۷-۱۶.

۴ علیرضا خسروزاده، ابوالفضل عالی (۱۳۸۴ ب)، «گزارش توصیفی فصل دوم بررسی و شناسایی شهرستان بردسیر»، گزارش‌های باستان‌شناسی، ش ۴، ص ۱۶۲.

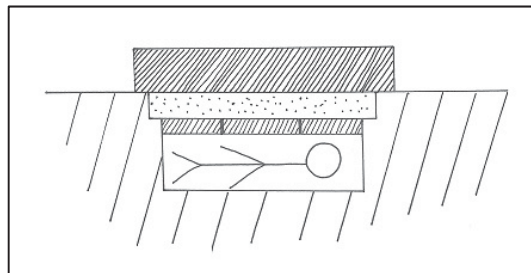
۵ پیر آمیه (۱۳۸۹)، تاریخ عیلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۶۳.

۶ جی. پی تیت (۱۳۶۲)، سیستان، ص ۱۷۸.

به زمان معاصر نزدیک می‌شویم به دلیل گسترش سواد، قبور بیشتر دارای نوشته می‌شود) و همچنین جایگاه اجتماعی و مصالح از جمله این عوامل است. در دورانی که سواد چندان رواج نداشت، قبور مردان با پوششی سه طبقه و قبور زنان پوشش دو طبقه ساخته می‌شد، اما با وجود گسترش سواد در دوره‌های اخیر همچنان این رسم رایج است. در دهه‌های اخیر، برای مصالح مورد استفاده در ساخت قبور، همان مواد و مصالح رایج در سایر مناطق مورد استفاده قرار می‌گیرد. همین مصالح طبقه اجتماعی افراد را نیز مشخص می‌کند.



شکل ۱۲: گور ایلامی اواخر هزاره دوم ق.م (آمیبه، ۱۳۸۹:۶۳)



شکل ۱۳: ساختار قبور در زمان خشکسالی

درباره آرامگاه‌ها باید گفت که از میان ۲۹ آرامگاه، بیشترین آنها دارای گنبد و از لحاظ معماری تحت تأثیر چهارطاقی‌های ساسانی است. ساخت یک آرامگاه نشان‌دهنده مقام و مرتبت صاحب آن است، اما مصالح و شکل ظاهری آنها به گونه‌ای است که کمترین تفاوت و آسیب را به چشم‌انداز یکنواخت بافت روستایی وارد کرده و از مصالح بومی، شکل پوشش سقف و اندود خانه‌ها تبعیت می‌کند. متأسفانه در چند سال اخیر به بهانه مرمت این آرامگاه‌ها، به این عامل توجه نشده است و استفاده از مصالح نامأنوس، واصله ناجوری در معماری و بافت سنتی محسوب می‌شود؛ مانند برخی آرامگاه‌های قبرستان بزرگ خمک.

شواهد باستان‌شناسی در سیستان در دوره‌های مختلف، نشان‌دهنده عمق اعتقادات مذهبی و پایبندی به آن است. در دوره اسلامی این تمایلات قوت گرفته است و در شکل جدیدی ابراز می‌شود. گذشته از سایر فرایض و آیین‌های مورد تأکید در دین مبین اسلام، خاکسپاری و بزرگداشت در گذشتگان اهمیتی وافر می‌یابد. در آیات و روایات متعددی تأکید بر این جنبه را می‌توان پیگیری کرد. اسلام در گام‌های نخستین بر اصول سادگی خود پا فشاری دارد، اما با ظهور خلافت اموی، تجمل‌گرایی دست به طغیان وسیع علیه این سادگی می‌زند و جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی جامعه اسلامی را دستخوش تغییر می‌کند. تدفین در دوره اسلامی، اصول کلی نظیر غسل، کفن و نماز مخصوص میّت را داراست، اما در شکل ظاهری و معماری قبور، تغییرات اساسی رخ داده است. به گونه‌ای که طبقات اجتماعی، همانند زندگی شهری در قبرستان‌ها نیز وجود دارد.

در حوزه زهک، تدفین در طیفی از قبور ساده تا آرامگاه‌ها انجام شده که به فراخور شرایط آب و هوایی منطقه، جایگاه اجتماعی متوفی، میزان تمکن مالی و تقدس متوفی متفاوت بوده است. می‌توان گفت سنت‌های تدفین در سیستان دوره اسلامی، بیشتر تحت تأثیر اعتقادات مذهبی و شرایط آب و هوایی خاص منطقه شکل گرفته و همچنین بازتابی از شرایط اقتصادی دوره خود است. در برخی از ادوار، یک نوع وحدت رویه در نوع معماری قبور را شاهدیم که نشان می‌دهد تفاوت‌های اقتصادی و فاصله فقیر و غنی به حداقل خود رسیده و فقط آرامگاه‌ها گویای وجود افراد نخبه مذهبی یا قدرتمند از نظر اقتصادی است که این وحدت رویه در قبرستان‌هایی که قدمت بیشتری دارند، ملموس‌تر است. همین تأثیرگذاری را به شکل دیگری در ادوار جدیدتر شاهدیم؛ مانند قبرستان دشتک. از نگاه دیگر، با توسعه تعاملات فرهنگی، تسهیل در ارتباطات و گسترش امکانات موجب شده پوشش قبور و معماری آرامگاه‌ها از حالت سنتی فاصله گرفته و

به یکنواختی با مناطق دیگر گرایش پیدا کرده است. در دهه‌های اخیر، به دلیل گسترش ارتباطات، تدفین شکل و اهمیت سنتی خود را از دست داده و به یک نوع همگونی و همسانی با سایر مناطق رسیده است. امروزه از مصالح بومی، شکل، پلان و معماری متناسب با وضعیت محیطی استفاده نمی‌شود؛ به طوری که حتی در برخی موارد یک نوع تناقض بین اعتقادات و سنت‌های دیرپا و شکل قبور و آرامگاه‌ها وجود دارد. به طور مثال، اهل سنت هیچ‌گاه از نشانه و نوشته روی قبور استفاده نمی‌کردند و یا هرگز به ساخت آرامگاه اعتقادی نداشته‌اند؛ حال آنکه امروزه در هر دو مورد، تغییراتی ایجاد شده است و آرامگاه‌هایی از اهل سنت با نشانه و نوشته به چشم می‌خورد. علاوه بر آن، بر روی قبور اهل سنت سنگ عمودی به علامت دفن متوفی، آیات قرآن و مشخصات او نصب می‌شود؛ مانند قبور قبرستان میلک.

در اینجا مسئله، نصب یک سنگ علامت یا ساخت بناهای آرامگاهی نیست، بلکه فاصله گرفتن از سنت‌های دیرین، به سیمای قبرستان‌ها آسیب رسانده و مصالح، پلان و شیوه ساخت جدید علاوه بر آنکه بر جذابیت و اهمیت آنها اضافه نکرده، بلکه آنها را از سادگی، همگونی و تا حدودی اسلامی بودن قبور و آرامگاه‌ها دور کرده است.

منابع و مأخذ

- آمیه، پیر (۱۳۸۹)، تاریخ عیلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۳)، الکامل فی التاریخ، ترجمه محمدحسین روحانی، چ ۳، تهران: اساطیر.
- آتینگهاوزن، ریچارد و الگ گرابار (۱۳۷۸)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات سمت.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۷)، فتوح البلدان، ترجمه، تعلیقات و مقدمه محمد توکل، تهران: نشر نقره.
- بیک محمدی، حسن، هدایت‌الله نوری و جواد بذرافشان (بهار و تابستان ۱۳۸۴)، «ثرات خشکسالی‌های ۱۳۱۷-۱۳۸۳ بر اقتصاد روستایی سیستان و راه کارهای مقابله با آن»، جغرافیای توسعه، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ش ۵.
- پژوهش گروهی بنیاد ایران‌شناسی (شعبه سیستان و بلوچستان) (۱۳۹۰)، شماری از مقبره‌های استان سیستان و بلوچستان، سرپرست طرح در شعبه: امین‌رضا کمالیان، تدوین نهایی: حسن حبیبی، تهران: انتشارات بنیاد ایران‌شناسی.

- تیت، جی. پی (۱۳۶۲)، سیستان، ترجمه غلام‌علی رئیس‌الذاکرین، مشهد، اداره کل ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان.
- خسروزاده، علیرضا و ابوالفضل عالی (۱۳۸۴ ب)، «گزارش توصیفی فصل دوم بررسی و شناسایی شهرستان بردسیر»، گزارش‌های باستان‌شناسی، ش ۴.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۷۱)، اخبار الطوال، ترجمه محمد مهدی دامغانی، چ ۴، تهران: نشر نی.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۰)، برگ IV ۸۳۵۱ سری ۷۵۳ K، تهران: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- سیدسجادی، سیدمنصور (۱۳۸۸)، گزارش‌های شهر سوخته ۲ (کاوش در گورستان ۱۳۸۰-۱۳۸۲)، زاهدان: سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی استان سیستان و بلوچستان با همکاری مرکز امور فرهنگی و اجتماعی اداره برنامه‌ریزی نشر.
- شهرکی فرخنده، مرجان (۱۳۹۳)، «بررسی قبور و آرامگاه‌های بخش شمالی سیستان در دوره اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- شیرازی، روح‌الله (۱۳۸۱)، بررسی باستان‌شناسی چابهار و جاسک، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۶)، تاریخ‌نامه طبری، ترجمه ابوعلی بلعینی، به تصحیح محمد روشن، تهران: نشر نور.
- غروی، مهدی (۱۳۷۶)، آرامگاه در گستره فرهنگ ایرانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- قبادیان، وحید (۱۳۹۲)، بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۸.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۸۷)، معماری ایران در دوره اسلامی، تهران: انتشارات سمت.
- گرابار، الگ (۱۳۷۵)، اولین بناهای یادبود اسلامی، ترجمه کلود کرباسی، فصلنامه علمی، فنی، هنری اثر، ش ۲۶-۲۷، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- گزارش ثبتی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان (۱۳۸۷)، امور پژوهشی و باستان‌شناسی، «مقبره سید پادشاه».
- موسوی، سید محمود (۱۳۷۴)، یادمان‌های خشتی کوه خواجه و خلاصه‌ای از نتایج مطالعات و کاوش‌های انجام‌شده در آن، مجموعه مقالات کنگره تاریخ، معماری و شهرسازی ایران، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- مهرآفرین، رضا، داوود صارمی نائینی، مرجان شهرکی فرخنده (زمستان ۱۳۹۱)، «آرامگاه‌ها و قبور کوه خواجه»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه خراسان بزرگ، س ۳، ش ۹.
- مهرآفرین، رضا (۱۳۸۳)، «بررسی و تحلیل باستان‌شناسی حوزه زهک سیستان»، رساله دوره دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ----- (۱۳۹۱)، برجکاد اوئشیدا، تهران: نشر دریافت.
- ----- (۱۳۹۳)، شهرهای ساسانی، تهران: انتشارات سمت.
- ناشناس (۱۳۱۴)، تاریخ سیستان، به تصحیح ملک الشعراء بهار، تهران: انتشارات کلاله خاور.

- ورجاوند، پرویز و دیگران (۱۳۷۱)، «بقعه»، دائرة المعارف تشیع، ج ۳، تهران: مؤسسه دائرة المعارف تشیع.
- هیلن براند، رابرت (۱۳۷۷)، معماری اسلامی، ترجمه ایرج اعتصام، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- یعقوبی، ابن واضح (۱۳۴۳)، البلدان، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- Adle, C. and Melikian-chivani (1972), A.S. *Les monuments du XIe si ecle du Dumqan*, studia Iranica I/2.
- Azarpay, G.(1981), *The Islamic Tomb Tower: A Note on Its Genesis and Singnificance*, Essays in Islamic Art and Aarchitecture in Honor of katharina Otto- Dorn. A.Deneshvari.
- Binford, L.R. and Binford, R(1968), *New Perspectives in Archaeology*, Chicago.
- Chapman, R. kinness, I, and Rands borgk(1981), *The Archaeology of death*, Cambridge.
- Child, V.G.(1957), *The Down of the European Civilization*, London.